

هومن جعفری
روزنامه نگار

تاج و وعده‌های بی‌پایان

ماه‌ها از حضور تاج در فدراسیون فوتبال می‌گذرد و می‌توانیم با قاطعیت ادعا کنیم که هیچ کدام از وعده‌های بی‌پایان او عملی نشده‌اند! نه در جام جهانی نتایج آبرومندی گرفتیم، نه وضعیت داوری اصلاح شد، نه سیستم کمک داور ویدیویی به ایران آمده و نه با فساد در فوتبال برخوردی صورت گرفته که تحسین کسی را در پی داشته باشد! صرفاً آن فشار رسانه‌ای که روی فدراسیون عزیز می‌خورد، دیگر نیست و گر نه اتفاقاتی که این روزها در فوتبال ایران شاهدش هستیم، به گونه‌ای نیست که احساس کنیم فرمان و سکان در دستان مرد مقتدری است که می‌داند امور را چگونه باید راهبری کند.

تاج نه پاسخگوی رسانه‌هاست، نه عملکرد تحسین برانگیزی دارد و نه اینکه کسی می‌داند چه در سر دارد! تیم ملی هنوز سرمربی ندارد. تیم المپیک هنوز سرمربی ندارد! وضعیت داوری‌ها در لیگ فاجعه‌آمیز است! اصلاح ساختاری صورت نگرفته که آدم دلخوش به آن باشد. واقعاً کسی نمی‌داند تاج در طول حضورش در فدراسیون دقیقاً چه دستاوردهایی داشته و برنامه‌های آینده‌اش چه چیزهایی است.

فوتبال ایران درگیر تفکر آدم‌هایی است از همین دست. اگر می‌بینید عربستان و امارات و قطر پیشرفت می‌کنند صرفاً فاکتور دلار و هزینه نیست، ما هم سالانه میلیون‌ها دلار خرج لیگ ایران می‌کنیم. منتهی آنها حساب و کتاب دارند و ما رئیس‌مان تاج است! آنها برنامه دارند و ما رئیس‌مان تاج است! آنها می‌دانند کجا هستند و کجا باید باشند و چطور باید این فاصله را طی کنند و ما رئیس‌مان تاج است! نتیجه‌اش این می‌شود که تاج فوتبال روی سر آنها قرار می‌گیرد و ما رئیس‌مان تاج است! تلخ نیست؟!

روز از نو، وعده از نو

ایمان گودرزی

روزنامه نگار

نداشت و بعد از فیفادی که تیم ملی به اتریش رفت بار دیگر بازی‌های لیگ بدون هواداران برگزار شد. حال در هیاهوی برگزاری مسابقات هفته شانزدهم لیگ برتر بود که خبر رسید مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، بعد از مکاتبه با وزارت کشور، حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها را بلا مانع اعلام کرده و در نامه‌ای به سازمان لیگ، خواستار فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای بازگشت تماشاگران به ورزشگاه‌ها شده است.

پس از این نامه‌نگاری‌ها بود که «ستاد حضور تماشاگران در لیگ» عصر روز یکشنبه به ریاست منصور قنبرزاده، نایب رئیس دوم فدراسیون فوتبال، برگزار شد و مقرر شد باشگاه‌های میزبان با ارائه درخواست رسمی از سازمان لیگ و هماهنگی با نهادهای ذی‌ربط، شرایط برگزاری مسابقات هفته هفدهم لیگ برتر با حضور تماشاگران را فراهم کنند. حال باید منتظر ماند و دید این برگزاری مسابقات با حضور هواداران را به پرونده‌های قطور بایگانی

فدراسیون فوتبال اضافه کرد یا نه. اما سؤالی که در مورد این قضیه پیش می‌آید این است که چرا باشگاه‌ها هیچ تلاش و اعتراضی برای حضور دوباره هواداران از خود نشان ندادند. البته برای باشگاه‌های پر هواداری که عملکرد خوبی تا اینجا فصل از خود به جای گذاشتند اتفاق بدی به حساب نمی‌آید. شاید سران باشگاه‌ها ترجیح دادند بازی‌های تیمشان در حال و هوای مرده برگزار شود تا زیر بار انتقاد هواداران تیم قرار نگیرند.



اینجا هیچ وقت چراغی روشن نیست

مثل تصویر ماه تلخ تبعیدی



سعید آقایی

روزنامه نگار

نه، اینجا چراغی روشن نیست. هیچ وقت، همیشه به تاریکی عادت کرده‌ایم. عادت داریم که کورمال کورمال جلو برویم و تصادفی و از روی بخت و اقبال مسیر خود را بجویم. در این مسیر دهشتناک و این طی طریق کورکورانه بدیهی است که خطر سقوط و کج‌راهه و بیراهه بسیار است. در این سرزمین عادت کرده‌ایم که از این مسیر پرخطر پیش برویم و هرگز در طول راه چراغی نباشد. چه آنکه چراغ‌داری نیست. تاریکی رسم ماست و این

رسم به طرز غریبی تکرار می‌شود. چه آنکه سراغ آنهایی می‌رویم که آیین آنها هرگز روشنایی نبوده و نیست. به ساختمان گرانیتی سئول که می‌نگریم این شب‌راهه خود را نمایان می‌کند. مسیری سراسر تاریک و خاموش. با مدیرانی که تنها آیین خاموشی را برگزیده‌اند. خاموشی در همه عرصه‌ها و تصمیمات. هنوز آینه گذشته پیش روی ماست. یادمان نرفته که در یک مناقشه بی‌حاصل با سعودی میزبانی را چه ساده از کف دادیم و از این حق مسلم چشم پوشیدیم در حالی که آقایان ادعا می‌کردند با شیخ بسته‌اند،

اما شیخ واقعی در سعودی بود که تا به امروز هنوز اجازه نداده هیچ کدام از تیم‌هایش در هیچ عرصه‌ای رنگ ایران را ببینند اما در یک حفره تاریخی ما با پرواز چارتر و در بستری به مقصد عربستان در حال رفت و آمد هستیم، مسابقه می‌دهیم و شکست می‌خوریم؛ درست همانند آنچه در بیرون زمین برای ما اتفاق افتاده. درست مثل ماهی که در تعجب باشد و ما از تماشای آن محروم باشیم. این حکایت مکرر در مکرر است؛ اتفاقی که مدت‌هاست تبعات آن از میزبانی فراتر رفته و به سکوها رسیده. آنجا که با

دست خود سکوها را از تماشاگر خالی کرده‌ایم تا یک فوتبال سرد، بی‌روح و بی‌شور را در بطن لیگ ببینیم. بیش از دو سال است که از امیدمی کرونا سپری شده، در همه جهان این بحران را حل کرده‌اند و زندگی عادی از سر گرفته شده اما در ایران هنوز بهانه‌ها تمام نشده! بهانه‌هایی که فوتبال را کشته‌اند و از آن یک پدیده بی‌خاصیت ساخته‌اند که دیگر هیچ کس را سر شوق نمی‌آورد و کمتر کسی آن را دنبال می‌کند. چراغ فوتبال مدتهاست خاموش شده و تاریک‌دستان به این خاموشی می‌بالند چون تاریکی کسب و کار آنهاست.

روی کاغذ یا در میدان عمل؟

صحبت شده که تماشاگران به ورزشگاه‌ها برگردند. خوب طبیعتاً شنیدن چنین سخنانی لذت‌بخش است حتی اگر خیلی ضمانت اجرایی نداشته باشد! با توجه به اینکه بارها و بارها تأکید شده که ورزشگاه آزادی در حال فروریزی است و بزودی روی سر مردم تخریب می‌شود، چطور می‌خواهیم ملت را به آن راه بدهیم؟ مگر هر روز و هر ساعت ادعا نمی‌کردیم ورزشگاه در حال تخریب است؟ مگر عکس‌های ترسناکی از سکوها ترک خورده و آماده برای تخریب منتشر نمی‌کردیم؟ حالا چطور می‌خواهیم ملت را به داخل ورزشگاه راه بدهیم؟

برای بقیه ورزشگاه‌ها چه در سر داریم؟ برای ورود تماشاگران چه می‌کنیم؟ سایت فروش بلیت مادر این مدت که همه چیز تعطیل بود، مشکلات خود را رفع کرد؟ آیا سامانه‌های بلیت‌فروشی ما به‌روز شده‌اند و با یک هجوم معمولی مردم قفل نمی‌شوند؟ همین دو سؤال کافی است که تکلیف مشخص شود. حضور مردم در ورزشگاه‌ها البته آزاد است اما وقت عمل که رسید، می‌فهمیم آیا واقعاً تماشاگران می‌توانند وارد ورزشگاه شوند یا خیر! روی کاغذ بله اما در عمل؟ باید صبر کنیم و ببینیم!

چرا همیشه باید آخرین باشیم؟

ورزش ایران به آخرین بودن در بسیاری از موارد نسبت به سایر نقاط جهان عادت دارند، موضوعی که برای مردم اما تبدیل به یک سؤال بی‌پاسخ شده. اینکه چرا ما همیشه باید در بسیاری از مواقع آخرین باشیم، ای کاش این بار اما مسئولان ورزش و امر برای یک بار هم که شده به این سؤال که در سالیان گذشته بارها از پاسخ دادن به آن ظفره رفته‌اند، پاسخ دهند. به طور قطع می‌توانیم بگوییم که مسئولان این بار هم برای این سؤال پاسخ مناسبی ندارند، چرا که اگر پاسخی توجیه‌پذیر داشتند در همه این سال‌ها که لیگ برتر به صورت حرفه‌ای آغاز شده آن را به مردم می‌دانند. به هرحال امیدواریم که تماشاگران در ورزشگاه‌ها ماندگار باشند و حضورشان تنها به یک یا دو هفته مسابقاتی محدود نشود.

امیررضا همایون

روزنامه نگار

داستان ورود تماشاگران به ورزشگاه‌های فوتبال در ایران طی دو سال اخیر حواشی مختلفی داشته، موضوعات مختلفی که سبب شده مسئولان عطای برگزاری مسابقات فوتبال با تماشاگر را به لقایش ببخشند. لیگ فوتبال ایران در حالی پس از گذشت دو سال از شیوع ویروس کرونا همچنان بدون حضور تماشاگران برگزار می‌شود، که تورنمنت‌های ورزشی در سراسر جهان با حضور تماشاگران برگزار می‌شود. به‌طور مثال جام جهانی ۲۰۲۲ که چند ماه پیش به میزبانی قطر بگل گوش ما برگزار شد، شاهد حضور بی‌شمار تماشاگران بودیم. این اتفاق همین‌طور در رقابت‌های اروپایی و سایر نقاط جهان هم رخ داده اما مسئولان

حق ندارید شرط بگذارید!

شیخ بهایی نمی‌خورد. لطفاً ناراحت نشوید، شما این کاره نبودید و نیستید؛ همه چیز برای‌تان شو و نمایش است. برای ورود تماشاگرانتان، شرط می‌گذارید؟ منتظر یک تلنگر بودید که از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کنید و حالا بهانه را به دست آورده‌اید، بعد هم بر سر مردم ایران منت می‌گذارید و اگر قرار است تماشاگری به ورزشگاه بیاید، باید فلان شود و بهمان؛ این چه فوتبالی است که همه چیز را به مسائل خارج از زمین گره می‌زنند. لیاقت و شایستگی نشستن پشت میزهای گران‌قیمت با

هیراد ایرانی

روزنامه نگار

دوران عجیبی را سپری می‌کنیم؛ دورانی که برای حضور تماشاگران در ورزشگاه، شرط می‌گذارند و یکی از آنها، تأیید روابط عمومی فدراسیون و سازمان لیگ است! خودشان هم نمی‌دانند چه کار می‌کنند؛ انگار فقط هستند که صدلی‌ها خالی نمی‌ماند. برادر من! یا برای ورود تماشاگر به استادیوم برنامه داشته باشید یا بفرمایید به خانه و خانواده خود رسیدگی کنید چون مدیری که توانایی برگزاری عادی رقابت‌ها را ندارد، به درد ادامه فعالیت در میدان

